

گزینه ۴

۱

آیات شریفه ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمن "حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا...: آنگاه که مرگ یکی از آن‌ها فرارسد می‌گوید: پروردگارا! مرا بازگردانید باشد که عمل صالح انجام دهم؛ آنچه را در گذشته ترک کرده‌ام. [به او گفته می‌شود] هرگز! این سخنی است که او می‌گوید..."

گزینه ۴

۲

پاسخ قطعی خداوند این است که "آیا در دنیا به اندازه کافی به شما عمر ندادیم تا هرکس می‌خواست به راه راست آید"، "ما می‌دانیم (علم الهی) اگر به دنیا بازگردید، همان راه گذشته را پیش می‌گیرید." آنچه به انسان در روز قیامت به‌عنوان پاداش و کیفر داده می‌شود و همان تجسم اعمال، صورت حقیقی عمل، جنبه باطنی عمل، خود عمل و عین عمل است.

گزینه ۳

۳

ليجمعنكم ← قطعیت معاد، مَنْ أَصْدَقَ مِنْ اللَّهِ حَدِيثًا ← صدق الهی

گزینه ۲

۴

این آیه مربوط به قیامت است. کسانی که مال یتیم را به‌ناحق می‌خورند اگر باطن و چهره واقعی عمل در این دنیا برملا شود همگان خواهند دید که در حال خوردن آتش‌اند (و سیلون سعیراً) دقت کنید که خوردن آتش عین و یا باطن عمل است که بازتاب و نتیجه خوردن ناحق مال یتیم است. پس خوردن مال یتیم عامل درآمدن به آتش است.

گزینه ۳

۵

پایه و اساس اسلام، جمله "لا اله الا الله" است و دین‌داری بر دو پایه استوار است: تولی و تبری. میان میزان دوستی با خدا و میزان نفرت از باطل رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی هرچه میزان دوستی با خدا بیشتر شود، میزان نفرت از باطل بیشتر می‌شود.

گزینه ۱

۶

قرآن کریم می‌فرماید: "کسانی که پیمان‌های الهی و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می‌فروشند آن‌ها بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت؛ و خداوند با آن‌ها سخن نمی‌گوید و به آنان در قیامت نمی‌نگرد و آن‌ها را (از گناه) پاک نمی‌سازد و عذاب دردناکی برای آن‌ها است."

گزینه ۴

۷

نیکوکاران، بالاترین نعمت بهشت، یعنی رسیدن به مقام خوشنودی خدا (وصول به مقام رضوان الهی) را برای خود می‌یابند و از این رستگاری بزرگ مسرورند.

خداوند، ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد. سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد تا با استفاده از سرمایه عقل راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم. خداوند آنچه در آسمانها و زمین است، برای انسان آفریده و توانایی بهره‌مندی از آنها را در وجود او قرار داده است. اینها نشان می‌دهد خداوند متعال انسان را گرامی داشته و برای انسان در نظام هستی جایگاه ویژه‌ای قائل شده است.

اسوه قرار دادن اهل‌بیت به این معنا است که در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک سازیم. مهم‌ترین نتیجه الگو قرار دادن اهل‌بیت این است که می‌توان از آنان کمک گرفت و با دنباله‌روی از آنان سریع‌تر به هدف رسید.

آیه (و من الناس من يتخذ من دون الله انداداً يحبونهم كحب الله و الذين آمنوا أشد حبا لله) اشاره به رویارویی و تقابل جبهه محبان حق و مخالفان حق دارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه "۱": برخی از هدف‌ها و دلبستگی‌ها محدود و پایان‌پذیر هستند و تنها پاسخگوی برخی از استعدادهای مادی ما می‌باشند.

گزینه "۳": برخی هدف‌ها پایان‌ناپذیر و همیشگی‌اند و پاسخگوی استعدادهای مادی و معنوی بیشتری در وجود ما هستند.

گزینه "۴": اهداف فرعی تابع اهداف اصلی قرار می‌گیرند.

تفسیر کلمه شریفه "الحيوان" اشاره به حقیقی بودن زندگی اخروی یعنی حیات راستین بودن دارد.

طبق آیه شریفه (و ما خلقنا السموات و الأرض...) خدای جهان خالق حکیم است؛ در نتیجه همه موجودات را هدایت می‌کند که بیانگر این مفهوم است.

خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می‌کنند و زیبا هم زندگی می‌کنند؛ اما به آن دل نمی‌بندند (علت) از این‌رو، مرگ را ناگوار نمی‌دانند (معلول).

نترسیدن خداپرستان از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ، می‌کنند، بلکه آنان از خداوند عمر طولانی می‌خواهند تا بتوانند با اندوخته‌ای کامل‌تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند.

تقاضای بازگشت مشرکان پس از مرگ و مکالمه با خدا و فرشتگان، بیانگر رفع موانع آگاهی با تحقق توفی در برزخ است که در دنیا میسر نیست.

خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می‌کنند و زیبا هم زندگی می‌کنند؛ اما به آن دل نمی‌سپزند؛ از این رو، مرگ را ناگوار نمی‌دانند.

قرآن کریم در مورد فرشتگان الهی می‌فرماید: (وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ): "بی‌گمان برای شما نگهبانانی هستند. نویسندگانی گرانقدر، می‌دانند آنچه را که انجام می‌دهید."

مسئول سرنوشت خویش بودن نتیجه این است که خداوند، ما را صاحب اراده و اختیار آفریده است و سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داده تا با استفاده از سرمایه عقل، راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم. خداوند متعال، شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن را در وجود ما قرار داد تا به خیر و نیکی روی آوریم و از گناه و زشتی بپرهیزیم.

باتوجه به تفاوت نگاه و اندیشه انسان‌ها، برای اینکه بتوانیم با نگاهی درست، هدف‌های خود را انتخاب کنیم، نیازمند معیار و ملاک هستیم. معیاری که بتوانیم به وسیله آن، هدف‌های همسو با میل بی‌نهایت طلب و استعداد‌های متنوع انسان را مشخص کنیم. تلاش برای رسیدن به نعمت‌های دنیا، نه تنها بد نیست بلکه ضروری و خوب است. فقط باید توجه کنیم که برای رسیدن به نعمت‌های دنیا مرتکب گناه نشویم، یعنی هدف فرعی را (که رسیدن به نعمت‌های دنیا است)، جای هدف اصلی (که تقرب به خداوند است)، قرار ندهیم.

مطابق با ترجمه آیه ۹۷ سوره نساء: "فرشتگان به کسانی که روح آنان را دریافت می‌کنند درحالی‌که به خود ظلم کرده‌اند، می‌گویند: شما [در دنیا] چگونه بودید؟ گفتند ما در سرزمین خود تحت فشار و مستضعف بودیم. فرشتگان گفتند: مگر زمین خدا وسیع نبود که مهاجرت کنید؟" راه نجات از محیط ضد دینی مهاجرت است.

(مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) نتیجه ایمان به خدا و روز آخرت و انجام عمل صالح، دچار نشدن به خوف و اندوه است. این آیه شریفه اشاره به اولین پیامد اعتقاد به معاد دارد. پنجره امید و روشنایی به روی انسان باز می‌شود و شورونشاط و انگیزه فعالیت و کار زندگی را فرامی‌گیرد.

پاسخ‌گویی به خواسته‌های نامحدود انسان، حکایت‌گر حکمت الهی است که باید با معاد پاسخ داده شود. در آیه (أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ) به ضرورت معاد که لازمه حکمت الهی است، اشاره کرده است.

هر موجودی بر اساس برنامه حساب‌شده‌ای به این جهان گام نهاده است و به‌سوی هدف حکیمانه‌ای در حرکت است، انسان نیز مانند موجودات دیگر، از این قاعده کلی جدا نیست و قطعاً هدفی از آفرینش او وجود داشته است که در آیه (و ما خلقنا السماوات و الأرض...) به آن اشاره شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه "۱": آیه (من کان یرید ثواب الدنیا...) به این نکته که انتخاب خداوند به‌عنوان هدف اصلی زندگی، بهره‌مندی از نعمت‌های دنیوی و اخروی را به همراه دارد، اشاره می‌کند.

گزینه "۳": آیه "آنچه نزد خداست، بهتر و پایدارتر است..." به انتخاب اهداف پایان‌ناپذیر اشاره دارد.

گزینه "۴": آیه "اینان از کار خود، نصیب و بهره‌ای دارند..." به نتیجه انتخاب اهداف پایان‌ناپذیر اشاره دارد.

یک در بهشت، مخصوص پیامبران و صدیقان است.

دوستان و هم‌نشینیان (مُجالس) انسان در آنجا، پیامبران، راست‌گویان، شهیدان و نیکوکاران‌اند و آنان چه نیکو هم‌نشینی هستند.

وجدان یا نفس لوامه، با محکمه‌هایش انسان را از راحت‌طلبی بازمی‌دارد؛ بنابراین آیه (و لا اقسام بالنفس اللوامه) موردنظر است. خدای متعال، شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بی‌زاری از آن را در وجود ما قرار داد تا به خیر و نیکی رو آوریم و از گناه و زشتی بپرهیزیم. گرایش انسان به نیکی‌ها و زیبایی‌ها سبب می‌شود که در مقابل گناه و زشتی واکنش نشان دهد و آنگاه که به گناه آلوده شد، خود را سرزنش و ملامت کند. پس سبب سرزنش، گرایش به نیکی است که در آیه (و نفس و ما سواها...) موردتوجه واقع شده است.